

قرارداد اسرائیل با گوگل چه واقعیت‌هایی را دربارهٔ طرفین روشن کرد؟

فناوری جنایت



علی ملکی خبرنگار گروه سیاست

تانیاهو دربرابر فشار افکار عمومی جهانی مستأصل شده و به پرداخت مبالغ هنگفت به شرکت‌های فناوری روی آورده است. منابع خبری فاش کرده‌اند اخیراً شرکت گوگل قرارداد «۴۵ میلیون دلاری» با دفتر نخست‌وزیری اسرائیل امضا کرده است. هدف این قرارداد اجرای کارزار تبلیغاتی گسترده برای سرپوش گذاشتن بر شدت بحران انسانی در غزه و ترویج روایت‌های مورد نظر صهیونیسم است. این قرارداد که به طور خاص با پلتفرم‌های یوتیوب و Display & Video ۳۶۰ متنقد شُده، نه‌تنها نمونه‌ای از همکاری نزدیک شرکت‌های فناوری با دولت‌ها برای پیشبرد اهداف سیاسی است، بلکه نشان‌دهنده دو واقعیت مهم است:

اول، وخامت جایگاه رسانه‌ای اسرائیل در سطح جهانی که آن را به صرف هزینه‌های کلان برای سانسور و تحریف واقعیت اداشته است. دوم، بی‌طرفی غول‌های فناوری که به نظر می‌رسد برای هر خدمتی قیمتی دارند، حتی اگر این خدمت به معنای حمایت از سیاست‌هایی باشد که به نقض حقوق بشر و جنایت جنگی منجر می‌شود.

با این حال انتشار جزئیات این قرارداد با واکنش شورای روابط آمریکایی-اسلامی روبه‌رو شد. این شورا آن را همراهی با جنایات جنگی دانست و خواستار لغو فوری کمپین تبلیغاتی شد.

■ ■ ■

تقلا برای مدیریت تصویر جهانی

قرارداد ۴۵ میلیون دلاری گوگل با دفتر تانیاهو در میانه یکی از بحرانی‌ترین دوره‌های روابط عمومی کابینه رژیم امضا شد. اسرائیل از ماه‌ها قبل تصمیم به مسدود کردن کامل ورود غذا، دارو، سوخت و سایر کمک‌های بشردوستانه به غزه گرفت و واکنش‌های جهانی گسترده‌ای را برانگیخت و نهادهای رسمی بین‌المللی هم نسبت به آن اعتراض کردند. سازمان ملل متحد مثل همیشه با سکوت به ادامه جنایت‌ها در غزه کمک کرد اما نهایتاً با فشار افکار عمومی ناچار شد به طور رسمی وجود قحطی عمدی در استان غزه را اعلام کند و گزارش داد این بحران «کاملاً ساخته دست بشر» است و می‌توان آن را متوقف کرد. طبق گزارش وزارت بهداشت غزه، تا آن زمان دست کم ۳۶۷ فلسطینی، از جمله ۱۳۱ کودک، بر اثر گرسنگی و سوءتغذیه جان باخته بودند. این آمار همراه با گزارش‌های سازمان‌های حقوق بشر که شواهد جنایات جنگی اسرائیل را جمع‌آوری می‌کند، چهره واقعی اسرائیل را در افکار عمومی جهانی ترسیم کرد. در پاسخ به این وضعیت، دفتر تبلیغات دولتی اسرائیل (لایام) یک کارزار تبلیغاتی گسترده را آغاز کرد که مشخصاً با عنوان «هاسبارا» به معنای روابط عمومی با رنگ و بوی پروپاگاندا شناخته شده است. این کارزار با هدف انکار قحطی در غزه و کمرنگ جلوه دادن بحران انسانی طراحی شد. یکی از نمونه‌های بارز آن ویدئویی تبلیغاتی در یوتیوب بود که توسط وزارت خارجه اسرائیل منتشر شد و ادعا می‌کرد: «در غزه غذا هست. هر ادعای دیگری دروغ است.» این ویدئو که بیش از ۶ میلیون بازدید داشت، بخشی از کمپین ۴۵ میلیون دلاری بود که از

■ ■ ■

دربارهٔ تذکر جلابی پور به اصلاح طلبان تندرو

استمرار روزنه‌گشایی علیه رادیکالیسم



زهرا طیبی خبرنگار گروه سیاست

صهیونیست‌ها از هر صدایی که پسازل آن‌ها را تکمیل کند، حمایت می‌کنند. تفاوت نمی‌کند آنکه جنایتانشان را سفیدشویی می‌کند، منشه امیر باشند یا مهدی نصیری که در جهان ذهنی اش ائتلاف تاج‌زاده با شاهزاده‌ها را ممکن می‌کند. اگر بپذیریم این ادعای نصیری بدون فکر و پشت‌پرده‌ای مطرح شده اما در ادامه همین ادعاها، آن‌ها از هر صدای مخالفی در داخل کشور که رنگ‌وبویی از تغییر پارادایم مطلوب رژیم را داشته باشد هم بی‌تفاوت عبور نمی‌کنند. در این موقعیت ضروری است هر نقد یا انتقادی که به نظام حکمرانی وارد می‌شود با در نظر گرفتن این حساسیت‌ها مطرح شود. در یکی دوماه بعد از پایان جنگ، بیانیه‌هایی منتشر شد که خواسته یا ناخواسته بازی در زمین چندصدایی در داخل کشور بود و گزکی دست دشمن می‌داد که به بهانه آن رویایشان را پیش ببرند. یکی از آن‌ها از لزوم تغییر قانون اساسی و برگزاری فرآندوم می‌گفت و دیگری خواهان پذیرش ۲ دولتی و برقراری روابط با آمریکا بود. این اولین بار نیست که اصلاح طلبان دچار خطایی راهبردی می‌شوند و مرزهایشان با دشمن را گم می‌کنند. به همین منظور بود که حمیدرضا جلابی پور در یادداشتی از ضرورت خط‌کشی صریح اصلاح طلبان با وطن‌فروشان و سربازان جنگ روانی اسرائیل گفت و نوشت: «وقتی مهدی نصیری وطن‌فروش از ضرورت ائتلاف تاج‌زاده تا شاهزاده صحبت می‌کند این سخن در ادامه همان مزدوری برای اسررائیل متجاوز عمل می‌کند.» به همین خاطر است که این روزها ضرورت هوشمندی جناح اصلاح طلب در مواجهه با پروژه‌های دشمن صهیونی بیش از گذشته احساس می‌شود. بنابر تجربه، طیف رادیکال اصلاح طلبان همیشه در میانه تدبید حوادث مسیر خطا و انتخاب و خواسته یا ناخواسته در زمین دشمن بازی کردند، حتی در میانه سال‌های ۸۸ یکی از اصلاح طلبان شعار از «گوگوش تا سروش را مطرح کرد» که نشان از نگاه‌های فانتزی و خطای اصلاح طلبان به سیاست و آزادی‌های اجتماعی داشت، حالا اما بیش از گذشته ضروری است که اصلاح طلبان بازبینی جدی در مطرح کردن انتقاد داشته باشند تا به جای انتقاد درون سیستمی، تکمیل‌کننده پروژه دشمن نباشند.

■ ■ ■

دربازی اتاق‌فکرهای آمریکایی نیفتید

نومحافظه‌کاران آمریکایی کار ویژه مشخصی برای تحقق دموکراسی و حفظ سلطه مطلوب در منطقه دارند. هدایت روشنفکرانی که مانند آن‌ها فکر می‌کنند و می‌توانند بدون درد و خونریزی گذار مورد نظر آن‌ها را در کشورهای منطقه رقم بزنند، یکی از پروژه‌های آن‌ها در منطقه است. صهیونیست‌ها با هدایت آمریکایی‌ها و در زمان شروع تجاوز به ایران، ترکیبی از این پروژه‌ها را دنبال می‌کردند که با همراه کردن صدایی مخالف از داخل کشور و با همراهی براندازان خارج از کشور، براندازی را محقق کنند. برخلاف برنامه‌ریزی‌ها



طریق پلتفرم‌های گوگل مدیریت می‌شد.

این قرارداد نشان‌دهنده تلاشی سیستماتیک از سوی اسرائیل برای بازسازی روایت خود در برابر انتقادات جهانی است. اظهارات مقامات اسرائیلی، از جمله موشه تور-پاز، رئیس کمیته امور خارجه کنست، و آویخای ادروی، سخنگوی ارتش اسرائیل، در جلسه‌ای در مارس ۲۰۲۵، نشان می‌دهد این رژیم به شدت نگران پیامدهای رسانه‌ای اقدامات خود در غزه است. ادروی در این جلسه اطمینان داد کارزارهای دیجیتال برای «توضیح نبود قحطی در غزه» در حال طراحی است. این اظهارات تأییدی بر این واقعیت است که اسرائیل به دلیل وخامت جایگاهش در رسانه‌های جهانی، به صرف هزینه‌های کلان روی آورده تا افکار عمومی را مدیریت کند.

پلتفرمی‌ها در خدمت پروپاگاندا

گوگل، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های فناوری جهان، با امضای این قرارداد به بازی تبلیغاتی تانیاهو تبدیل شده است. این قرارداد که از ۱۷ ژوئن تا ۳۱ دسامبر ۲۰۲۵ ادامه دارد، شامل استفاده از پلتفرم‌های یوتیوب و Display & Video ۳۶۰ برای انتشار تبلیغات هدفمند است. علاوه بر این، اسناد افشاشده نشان می‌دهند گوگل از زمان آغاز جنگ غزه در اکتبر ۲۰۲۳، به درخواست‌های وزارت دفاع اسرائیل برای دسترسی بیشتر به ابزارهای هوش مصنوعی، از جمله سرویس Vertex و فناوری Gemini، پاسخ مثبت داده است. این همکاری تنها به قرارداد ۴۵ میلیون دلاری محدود نمی‌شود. گوگل از سال ۲۰۲۱ در قالب پروژه «نیمبوس»، یک قرارداد ۱٫۲ میلیارد دلاری با دولت و ارتش اسرائیل، خدمات رایانش ابری و هوش مصنوعی ارائه می‌دهد. این پروژه که با همکاری آمازون اجرا می‌شود، به دولت اسرائیل امکان تجزیه و تحلیل سریع‌تر داده‌ها و تقویت عملیات نظامی را داده است. با این حال،

■ ■ ■

دربارهٔ تذکر جلابی پور به اصلاح طلبان تندرو

استمرار روزنه‌گشایی علیه رادیکالیسم



این پروژه موفق نشد و همه طیف‌ها و سلایق سیاسی، تجاوز به خاک ایران را محکوم کردند و با دشمنان صهیونی مرزگذاری کردند. اما این به آن معنی نبود که برنامه‌ریزی آن‌ها برای رقم زدن این برنامه متوقف شده است. در روزهای بعد از پایان جنگ، علاوه بر آنکه سربازهای فارسی‌زبان اینترنت‌نشان، وظیفه خطیر سفیدشویی جنایات رژیم را به عهده گرفتند، برخی چهره‌ها مثل مهدی نصیری که پیش از این با ادعاهای شاذی مثل ائتلاف تاج‌زاده تا شاهزاده وابستگی و خود فروختگی اش را اثبات کرده بود و حالا به دنبال استدلال‌تراشی برای مشروعیت دادن به تجاوز دشمن صهیونی است، عملاً به سرباز رسانه‌ای صهیونیست‌ها تبدیل شدند. علاوه بر معدود چهره‌های ایرانی خارج‌نشین دشمنان دزهبین به دست گرفته بودند تا کوچک‌ترین اظهار نظر و انتقادی را به تقابل با نظام حکمرانی نسبت دهند. حالا در این میان انتشار بیانیه‌هایی که از برگزاری فرآندوم و تغییر قانون اساسی می‌گفت و بیانیه جبهه اصلاحات که به طور ضمنی از راهکار دو دولتی در فلسطین اشغالی گفته، می‌تواند پاس گل خوبی به دشمنان ایران برای برجسته‌کردن صدای مخالف و دوگانه‌سازی در کشور بدهد. این فرض خارج از دو احتمال نیست، برخی از این بیانیه‌ها عمداً با علم به آنکه واکنش آن‌ها چه اثری در فضای داخلی کشور و چه واکنشی از جانب دشمنان ایران خواهد داشت، مطرح شده و احتمال دوم هم آن است که برخی از این بیانیه‌ها ناآگاهانه و صرفاً در راستای مطرح کردن نقد درون‌سیستمی مطرح شده است.

همیشه در مرزگذاری خطا داشتید

اگر فرض را بر این بگذاریم که آنچه در برخی از این بیانیه‌ها مطرح شُده بدون غرض‌ورزی و نیت سبّو بوده باید به این گزاره مهم توجه داشت که نقد

که به نفع دشمنان ایران، تمام شود.

کارزارها نشان می‌دهد اسرائیل دیگر نمی‌تواند با روش‌های سنتی روابط عمومی، چهره مخدوش خود را ترمیم کند.

غول‌های پولی

قرارداد ۴۵ میلیون دلاری گوگل با اسرائیل، واقعیت تلخی را درباره کارکرد شرکت‌های فناوری نمایان می‌کند. این شرکت‌ها با وجود ادعاهای بلندپروازانه درباره ارزش‌های اخلاقی و حقوق بشری در نهایت منافع مالی خود را ارجح می‌دانند. گوگل که سیاست‌هایش از تعهد به استانداردهای حقوق بشر سخن می‌گوید، در عمل نشان داده که برایش هر چیزی قیمتی دارد. این شرکت نه تنها با قرارداد «نیمبوس» به ارتش اسرائیل خدمات ارائه می‌دهد، بلکه با پذیرش ۴۵ میلیون دلار برای ترویج پروپاگاندا، به ابزاری برای پیشبرد سیاست‌های سرکوبگرانه تبدیل شده است. این موضوع تنها به گوگل محدود نمی‌شود. آمازون، متا و دیگر غول‌های فناوری نیز در پروژه‌هایی مشابه با اسرائیل همکاری دارند، به عنوان مثال «آمازون» نیز در پروژه نیمبوس شریک است و «متا» متهم به سانسور محتوای حامی فلسطین در پلتفرم‌های خود شده است. این الگو نشان می‌دهد غول‌های فناوری، با وجود تأثیر عظیمشان بر اطلاعات و افکار عمومی، در برابر پیششادهای مالی کلان، ارزش‌های ادعایی خود را کنار می‌گذارند.

اظهارات «سگی برین»، یکی از بنیان‌گذاران گوگل که سازمان ملل را به دلیل انتقاد از همکاری این شرکت با اسرائیل «یهوسئیز» خواند، نشان‌دهنده رویکردی دفاعی و غیرمسئولانه است. این واکنش، به جای پاسخگویی به نگرانی‌های حقوق بشری، تلاشی برای انحراف موضوع و فرار از مسئولیت است. در واقع، گوگل با پذیرش این قراردادها، نه تنها به اعتبار خود آسیب‌زده، بلکه به ابزاری برای سانسور حقیقت و تقویت روایت‌های غیرانسانی تبدیل شده است.

فناوری سرکوب

همکاری گوگل با اسرائیل فراتر از یک قرارداد تبلیغاتی است. اسناد افشاشده نشان می‌دهند ارتش اسرائیل از فناوری‌های هوش مصنوعی گوگل، مانند Vertex و Gemini، برای اهداف نظامی استفاده می‌کند. این فناوری‌ها که برای پردازش داده‌ها و تحلیل سریع اطلاعات طراحی شده‌اند، می‌توانند در نظارت، هدف‌گیری و حتی عملیات نظامی علیه فلسطینی‌ها به کار روند. گزارش واشگتن پست هم نشان می‌دهد ارتش اسرائیل از ابزار هوش مصنوعی «هاسورا» برای انتخاب اهداف بمباران در غزه استفاده کرده اس ابزاری که به دلیل دقت پایین و اعتماد بیش از حد فرماندهان به آن، به افزایش تلفات غیرنظامی منجر شده است. اگرچه مشخص نیست که آیا این ابزار مستقیماً از خدمات ابری گوگل استفاده می‌کند، اما همکاری گسترده گوگل با ارتش اسرائیل از این احتمال را تقویت می‌کند. این موضوع نگرانی‌های جدی درباره نقش فناوری در نقض حقوق بشر ایجاد کرده است. کارمندان گوگل که بارها علیه این همکاری‌ها اعتراض کرده‌اند، معتقدند فناوری این شرکت ممکن است به سرکوب فلسطینی‌ها کمک کند. اخراج بیش از ۵۰ کارمند در سال ۲۰۲۴ به دلیل اعتراض به پروژه نیمبوس، نشان‌دهنده تلاش گوگل برای ساکت کردن صدای مخالفان داخلی بود.

■ ■ ■

اصلاحات را از اصلاحات شروع کنید

شاید تذکری را که از درون جناح اصلاح طلبی خطاب به اصلاح طلبان مطرح شده بتوان به تمام ادوار گذشته و حیات سیاسی این طیف از اصلاح طلبان تعمیم داد. ضرورت مرزبندی با وطن‌فروشان و سربازان رسانه‌ای اسرائیل، امری است که اصلاح طلبان همیشه می‌بایست به آن توجه کنند، اما حالا و در شرایطی که عملاً پروژه‌هایی بسرای همراه کردن برخی از این طیف رادیکال با وطن‌فروشان خارج از کشور وجود دارد، ضرورت تعریف مرزها و خط‌کشی‌هایی که عتاد با وابستگیان به متجاوز را روشن می‌کند، بیش از گذشته احساس می‌شود. ضرورت اولی که بهتر است جبهه اصلاحات و تقریباً تمام شناسنامه‌داران گرایش اصلاح طلبی آن را در نظر بگیرند، لزوم بازتعریف نگاه و ایده‌های مشخص در مورد اعمال اصلاحات در نظام حکمرانی است:
۱. پیش از آنکه طیفی از اصلاح طلبان بلندگو برای گفتن نقاط ضعف و آنچه باید بشود یا نشود بلند کنند و از بیرون گود دستور بدهند، باید ابتدا تعریف دقیق و چهارچوب‌مندی داشته باشند که ایده آن‌ها برای تغییرات چهارچوب‌دار در داخل کشور چیست؟ ارائه راه‌حل‌های کلی و تکراری مثل مذاکره با آمریکا، آزادی‌های اجتماعی طبعاً نمی‌توانند این را القا کنند که اصلاحات صاحب ایده و فکری مشخص است.
۲. نکته دیگر آنکه ضروری است اصلاحات پیش از نسخه‌پیچی برای مشکلات کشور، اصلاحات را از درون خود شروع کنند و چالش‌ها و بحران‌های جدی درون جبهه‌ای را حل و فصل کنند.
۳. در ارائه تعریفی دقیق و روشن خط قرمزها و مرزهای خودشان با دشمنان ایران را مشخص کنند. این نقاط ضعف تنها اختصاص به دوران پس از جنگ ندارد و مشکلات چندین سساله طیف رادیکال اصلاح طلب است که حتی باعث بروز شکاف درون جبهه اصلاح طلبی شده است.

حافظ منافع ملی باشید

تأکید حمیدرضا جلابی پور به اینکه «بنیاد وطن‌فروشی آشکار و بی‌شرمانه و خیانت به ایران عادی‌سازی و توجیه شود» در ادامه لزوم مرزگذاری با این متجاوزان را مورد تأکید قرار می‌دهد، نشان می‌دهد اصلاح طلبان می‌بایست انتقاده‌ها و موضع‌گیری‌هایشان را فراتر از دعواهای جناحی و سیاسی ببینند و با در نظر گرفتن منافع ملی اظهار نظر کنند؛ چراکه مرزگذاری با آن‌ها موجب می‌شود عملاً مجالی برای اجرای طرح‌های تجزیه طلبان و اتاق فکرهای آمریکایی فراهم نشود و آن‌ها با خیال آنکه می‌توانند با هدایت بخشی از روشنفکران صدایی مخالف را در داخل کشور، بلند کنند به اهدافشان برسند. البته ضرورت مرزگذاری برخی اصلاح طلبان با دشمنان ایران، موضوعی است که رهبر انقلاب در میانه اتفاقات سال ۸۸ بارها به آن تأکید کردند اما به نظر می‌رسد هنوز کمیت برخی سیاستمداران قدیم در این فقره لنگ می‌زند. بی‌توجهی آگاهانه یا ناآگاهانه به این تذکرات نیز نهایتاً موجب می‌شود آن‌ها به جای آنکه بر مبنای منافع و مصالح ملی حرکت کنند، بر مبنای خواست اتاق‌فکرهای آمریکایی پیش بروند و به‌مثابه روشنفکرانی ظاهر شوند که قرار است حافظان هژمونی آمریکا در منطقه باشند.